

دیپلوماسی حزب مردم سالاری در نودویکمین همایش فصلی این حزب:

وزارت کشور به درخواست حزب مردم سالاری برای تجمع بر مبنای اصل ۲۷ قانون اساسی پاسخ نداد

✓ خطر لباس شخصی‌های خودسر و ناهماهنگ با نیروی انتظامی کمتر از مزدوران بیگانه نیست

صفحه ۲

نگاهی به مطالبه بازنگری قانون اساسی همزمان با روز قانون اساسی

جمهوریت سوم راهکار برون رفت از بن‌بست‌های سیاسی

صفحه ۳

۵۷ درصد بنزین توزیعی در کشور غیراستاندارد است!

مرگ سالانه ۲۷ هزار ایرانی بر اثر آلودگی هوا

صفحه ۴

مکرون و بایدن در کاخ سفید دیدار کردند

بنای جدید رفاقت آمریکا و فرانسه

صفحه ۱۱

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس:

۹۰ درصد کسانی که به خیابان آمدند معارض بودند و ۱۰ درصد اغتشاشگر

صفحه ۲



گزارش «مردم سالاری» درباره قوانین بر زمین مانده حمایت از کم توانان

دولت به جای شعار، قانون حمایت از حقوق معلولان را اجرا کند

صفحه ۴

سرمقاله



محمد آخوندپور امیری

یکی از مفاهیم بسیار پر کاربرد در ساحت سیاست و اجتماع که به منظور درک کیفیت حکومتداری و انطباق آن با الگوهای مطلوب حاکمیتی می‌تواند از آن بهره گرفت، مقوله «حکمرانی مطلوب» است. بدین منظور در ابتدا میبایست تعریفی جامع از این مدل ارائه داد و ضمن بررسی ابعاد آن، به شاخص‌های نیل به این مدل حکمرانی که از مقبولیتی جهانی برخوردار است، اشاره کرد. براساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل، حکمرانی خوب عبارت است از «مدیریت امور عمومی براساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومت داری». در تعاریف مختلف از حکمرانی خوب، ویژگی‌ها و شاخص‌های مختلفی را بر شمرده‌اند. ویژگی‌هایی همچون: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت پذیری، اجماع سازی، عدالت و انصاف، کارایی و اثربخشی و پاسخگویی. پیرامون هر کدام از شاخص‌های یاد شده می‌توان به گفتگو نشست و به آشکار سازی مفاهیم هر کدام اقدام نمود.

الگوی مفهومی حکمرانی مطلوب و شاخص‌های آن

قانون و امنیت در کشور پیروی کنند. «شفافیت»، یکی از مولفه‌های کاربردی است که در سایه بسط و گسترش وسایل ارتباط جمعی و اهرم پرشگرایی نسبت به عملکرد نهادهای مسئول و کارگزاران حاکمیتی، می‌تواند هرچه بیشتر فضای ابهام را از میان برداشته و بر میزان آگاهی نسبت به پیشبرد امور تأثیر بگذارد.

«مسئولیت پذیری»، موضوعی است که نشان از میزان کارایی کارگزاری می‌دهد که در بخش‌های مختلف حاکمیتی، با قبول مسئولیت بازوان پر توان حاکمیت در اجراءسازی اهداف ترسیمی در برنامه‌های تدوین شده می‌باشد. طبیعی است که به هر میزان که فرهنگ مسئولیت‌پذیری در بطن یک جامعه یا بهره‌گیری از اهرم‌های کارآمدی همچون آموزش، نهادینه شده باشد، خیال حاکمیت نسبت به تحقق اهداف و برنامه‌ها در بالاترین سطح کیفی خود راحت میگردد. «اجماع سازی» نیز، به فرآیند نظام تصمیم سازی اشاره میکند که در سایه کنش‌های جمعی کارگزاران، نوبت روند عقلانی سازی نظام تصمیم‌ها را خواهد داد که برآیند آن، تصمیمات جمعی و بالا رفتن سطح کیفی اجراءسازی آن خواهد بود.

«عدالت محوری»، از جمله مسائلی است که از دیرباز ذهن فیلسوفان عرصه سیاست و اجتماع را معطوف به خود ساخته است. اما باید توجه داشت که به هر میزان که یک جامعه احساس کند کاهش سطح تعارضات و فاصله‌های اقتصادی میان اقشار پر درآمد و ضعیف جامعه، وجه همت مسئولین است، به همان میزان مقبولیت و همراهی اقشار جامعه در جهت تحقق اهداف حاکمیتی بیش و بیشتر خواهد شد. «کارایی و اثربخشی» مقوله‌ای کاربردی است که نشان از آن میدهد که سیستم کارکردی حاکمیت

مسکن؛ پاشنه آشیل اقتصاد

تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان زیاد داشته باشیم چون خاصیت بازار رقابت است این رقابت در جهت تصرف و تسلط بازار شکل می‌گیرد. معمولاً در فضای عادی تنوع تولیدکننده باعث بالا رفتن کیفیت و پایین آمدن قیمت در جهت تصرف بازار و فروش شده و این امر به سود مصرف‌کننده منتهی می‌شود. به عنوان مثال تولید کلان دو خودرو ساز بزرگ را داریم. شاید در بخش‌های کوچک‌تر تولیدکننده در ایران وجود دارد. این تولیدکنندگان بازار مصرف را در انحصار و اختیار خود داشته و بدون هیچ گونه رقابتی و بسا هیچ کیفیت قابل قبولی فقط تولید کرده و به بهانه واهی کالا را به بالاترین قیمت و بدون هیچ کیفیت قابل قبولی به بازار عرضه می‌کنند.

در چنین فضایی نه حق انتخاب در کیفیت است و نه در قیمت؛ حکایت این دو تولیدکننده حکایت همان دو خودروساز است که فقط در ظاهر محصولات تنوع وجود دارد و در باطن معمولاً تمامی قطعات و بازدهی و راندمان یکی است و متأسفانه بخش اعظم انرژی کشور را از بیسن می‌برد. اگر این انحصار پایان پذیرد قطعات، قیمت‌ها و کیفیت واقعی شده و علاوه بر کنترل مصرف انرژی راندمان عرضه، تولید و کیفیت به‌شدت بالا رفته و قیمت کاهش می‌یابد. توصیه می‌شود که تولیدکنندگان کوچک‌تر مورد حمایت قرار گرفته تا بتوانند وارد چرخه عرضه و تقاضا شوند.

نظام بانکی و پولی کشور و جلوگیری از عدم چاپ پول که بزرگ‌ترین عامل به وجودآورنده تورم سرمایه‌آور کشور است.

۲- عدم دستور به نظام پولی و بانک‌ها برای دادن وام‌های دستوری در لایه‌ها و اقشار مختلف چرا که این نوع وام‌ها علاوه بر اینکه کارگشا نبوده و به وجودآورنده تورم و تقاضای کاذب در بازار برای کالا و خدمات است. این تقاضای کاذب بیشتر باعث حرکت بیمارگونه دلار، کالا و خدمات می‌شود. اگر دولت قصد دارد اعتبار خود به اقشار کم‌درآمد دهد به نظر می‌رسد باید قوانین و نظام اعتباری کشور در یک قانون درست اصلاح و تنظیم شود که تولیدکننده و فروشنده بدون دغدغه از برگشت پول و سرمایه به دولت و خدمات خود را در اختیار مصرف‌کننده نهایی با اسطاسی که در توان طرفین هست بگذارند.

در این نوع نظام پولی فروشنده و تولیدکننده از برگشت سرمایه مطمئن شده و مصرف‌کننده نهایی متناسب با توان و اعتبارش بدون دغدغه کالا و خدمات را خریده و بهای آن را می‌پردازد. فشار از بدنه بانک‌ها خارج شده و اقتصاد متناسب با تقاضای روان می‌شود و تورم به خوبی کنترل می‌شود.

۳- پاشنه آشیل جامعه ایران مسکن است. اگر مجلس و دولت بتوانند قوانین مربوط به مسکن را تنظیم و اجرا کنند بسیاری از گرفتاری‌های مردم کم شده و تورم به صورت افسارگسیخته که هر سال خود را نمایان می‌کند مهار می‌شود. به عنوان مثال آپارتمانی که امسال به مبلغ ۵ میلیون تومان اجاره داده می‌شود بدون هیچ گونه نظارتی در سال بعد نزدیک دو برابر ارانه می‌شود. مبلغ مازاد سال بعد بدون هیچ گونه کار اقتصادی و خلق تولید و پول در لایه جامعه و نظام پولی قرار گرفته و به‌شدت به تورم کمک می‌کند. دولت می‌بایست به‌سرعت برای تنظیم و مقررات این بخش وارد عمل شده و قوانین کارآمد جلوی این خلق پول بی‌سود و خلق پول نه از راه چاپ و تکثیر بلکه از حرکت اقتصادی صورت می‌پذیرد. از این دست مقالات بسیار است که در این مقال نمی‌گنجد. حال در این برهه حساس جامعه‌ای بی‌سود شدن قدرت‌ها از پاسخگویی نسبت به رفتار و اعمال خود در امنیت قرار می‌گیرند.

و سوم؛ مربوط به عالمان و خطیبان است، واقعا برخی علماء و واعظان چرا گرفتار گرفتار بدون عمل می‌شوند و توصیه‌هایی را در خطبه و خطابه دارند که خودشان از آن محتوا فرستگ‌ها فاصله دارند؟



حمیدرضا عابدی
رئیس هیات مدیره
شرکت بیتا بهینه خراسان

چندی است که در محافل عمومی و لایه روشنفکری اقتصادی و در سطح جامعه جمله اقتصاد دستوری بسیار شنیده و رایج شده است. اقتصاد دستوری به‌زمانی برمی‌گردد که بیشتر به دنبال آمال شهر آرزوها می‌گشتند. در این نوع اقتصاد همگان در یک سطح و بدون هیچ گونه مشغله فکری از اقتصاد زندگی می‌کردند. جامعه پروتاریا به‌دنبال چنین اقتصادی بود. اقتصاد دستوری که در مالکیت دولت بود انجام می‌پذیرفت و هیچ کس مالکیت هیچ چیزی را نداشت. در حکومت‌های غربی که بر پایه اقتصاد باز بنا شده است مالکیت به مردم واگذار شده و دولت فقط نظاره‌گر، قانون‌گذار و تنظیم‌کننده بوده و فقط مالکیت بانک مرکزی را که تنظیم‌کننده پول و اعتبار است در اختیار دارد. قوانین مالیاتی، صادرات، تولید و مصرف در اختیار دولت بوده و دولت هیچ دخالتی در عرضه و تقاضا ندارد. حمایت‌های دولت بیشتر برای خلق پول بوده و چاپ و تکثیر آن بدون جلوی این خلق پولی صورت نمی‌گیرد و خلق پول نه از راه چاپ و تکثیر بلکه از حرکت اقتصادی صورت می‌پذیرد. از این دست مقالات بسیار است که در این مقال نمی‌گنجد. حال در این برهه حساس جامعه‌ای بی‌سود شدن قدرت‌ها از پاسخگویی نسبت به رفتار و اعمال خود در امنیت قرار می‌گیرند.

و سوم؛ مربوط به عالمان و خطیبان است، واقعا برخی علماء و واعظان چرا گرفتار گرفتار بدون عمل می‌شوند و توصیه‌هایی را در خطبه و خطابه دارند که خودشان از آن محتوا فرستگ‌ها فاصله دارند؟

هادی سروش:

واعظان بدون «عمل» حق توصیه «اخلاقی» به جامعه را ندارند

گفت: در نهج‌البلاغه امام علی(ع) سخن از کسی دارد که عنوان «اخ فی الله» را به او داده و شارحان نهج‌البلاغه در هویت و معرفی آن فرد مانده‌اند! برخی آن فرد را شخص رسول‌الله (ص) دانسته‌اند و برخی دیگر افراد دیگری که از دوستان امام علی بوده‌اند را معرفی کرده‌اند. مهم اوصاف آن برادر الهی امام علی(ع) است که امام یکی از خصوصیات اخلاقی برادر خود را چنین بیان کرده: من در گذشته برادری داشتم که هر کاری انجام می‌داد به حساب می‌آورد و کارهای انجام نشده را به رخ مردم نمی‌کشید.

استاد حوزه گفت: بر اساس آیه سوره صف بی‌اخلاقان و کسانانی که به گفته‌های مثبت خود پایبند نیستند حق ندارند دیگران عدوت به اخلاق کنند! این ضایعه می‌تواند سریع جامعه را گرفتار بدبینی کرده و باعث انزجار افکار عمومی از دین و آیین شود.

سروش در مورد علت یابی حرف زدن‌های بدون عمل گفت: وقتی ما در جهت علت یابی این نقیصه

حجت‌الاسلام و المسلمین هادی سروش بیان کرد که «بر اساس آموزه‌های دینی؛ واعظان بدون عمل و حاکمان بی عدالت حق توصیه اخلاقی به جامعه را ندارند چرا که این امر می‌تواند به سرعت جامعه را گرفتار بدبینی کرده و باعث انزجار افکار عمومی از دین و آیین شود.»

به گزارش شفقنا، هادی سروش در ادامه بحث‌های شرح اصول کافی در موضوع «خطای دینداران» در رابطه با «توصیه به نیکی» گفت: «بر اساس آموزه‌های دینی؛ واعظان بدون عمل و حاکمان بی‌عدالت حق توصیه اخلاقی به جامعه را ندارند! توصیه اخلاقی بدون عمل و غیرصادقانه از خطیبانی در جامعه دیده می‌شود که اقدام برای پر کردن جیب سرمایه‌داران رانت‌خوار دارند و یا از مسئولی شنیده می‌شود که قصد فرار از مسئولیت و یا برای پاسخگو نبودن بوده است و این ضایعه می‌تواند سریع جامعه را گرفتار بدبینی کرده و باعث انزجار افکار عمومی از دین و آیین شود.»

سروش با اشاره به سخن امیرالمومنین علی (ع)

پایگاه خبری مردم سالاری آنلاین

www.mardomsalari.ir

روزنامه مردم سالاری

www.mardomsalari.ir/newspaper

